



می‌پندارد. چنین نگاهی به هیچ‌وجه متناسب با اقتصاد کشوری که در واقع در شرایط جنگ اقتصادی است و همه‌های شدیدی به بنیان‌های اقتصادی آن صورت می‌گیرد نیست.

■**در این صورت چرا جریان ثنوریک دولت بر این دوگانه‌سازی اصرار دارد؟ برای مثال یک روز نامه نزدیک به دولت، فردای منظره دوم در یک سو کره‌شمالی را مطرح کرد و در سوی دیگر توسعه!**

علتش این است که مفهوم «توسعه» بار معنایی مثبتی دارد؛ هر کسی که با این مفهوم مواجه شد، در ذهنش نکته منفی تداعی نمی‌شود. لذا طرح اینکه «فقط این ماییم که طرفدار توسعه هستیم» تنها به خاطر تأثیر روانی است. همانگونه که آقای روحانی در صحبت‌هایش می‌گوید، یک سمت ما هستیم و یک سمت برگشت به گذشته و ایجاد تورم! این در حقیقت بازی با روان مردم است. اگر نه من اقتصاددان این دو گانه را نه با معنی می‌دانم و نه واقعی.

■ **اکنون سوالی که مطرح می‌شود این است که در صورت ادامه و تکرار این سیاست‌ها چه نتایجی به بار خواهد آمد؟**

برای پاسخ به این سوال اول باید به این پرسش پاسخ دهیم که سال ۹۲ آقای روحانی چگونه رای آورد؟ به آقای روحانی اقبال شد چون وی گفت ما می‌خواهیم تحریم‌ها را برداریم اما اکنون با یک تناقض مواجهیم و تناقض اینجاست که دولت از سیاست‌هایی پیروی می‌کند که نتیجه آن حتی اگر رفع تحریم‌ها باشد (هر چند این هم اتفاق نیفتاد) اما در نهایت دوباره کشور به جایی می‌رسد که در خطر و تهدید تحریم قرار می‌گیرد.

■ **در این زمینه بیشتر توضیح دهید.**

فرض کنید تحریم‌ها برداشته شده است ولی زمانی که نگاه‌تان دوباره به خارج باشد، گام به گام به سمت وابستگی به تحریم‌های خارجی می‌روید. فرض کنید با رفع تحریم‌ها سرمایه‌گذاری‌های خارجی هم صورت بگیرد اما با توجه به اینکه کشور مزیت نسبی آنچنانی جز در حوزه نفت ندارد، سرمایه خارجی در همین حوزه نفت جذب می‌شود! سرمایه‌گذار خارجی حاضر نیست شرکت ج‌ام آمریکا را رها کند و در حوزه تولید برآید سرمایه‌گذاری کند! قطعا این کار را نمی‌کند و تنها حوزه‌ای که برای سرمایه‌گذار خارجی مزیت دارد، حوزه نفت است. نتیجه اینکه این سرمایه‌گذاری فقط در حوزه نفت صورت می‌گیرد و بعد از مدتی دوباره کشور به وضعیت قبل برمی‌گردد. یعنی تحریم‌ها را برداشتیم ولی دوباره خودمان را وابسته‌تر به نفت می‌کنیم و اینگونه بعد از مدتی دوباره سایه تحریم بر سر کشور می‌آید! و تناقض اینجاست که آقای روحانی می‌گوید می‌خواهم کشور را از تحریم نجات دهم ولی سیاست‌هایش به گونه‌ای است که در گام‌های بعدی حتی اگر تحریم‌ها برداشته شده باشد، مجدّد خودمان را در معرض تحریم قرار می‌دهیم. وقتی اقتصاد تک‌محصولی شد، آنگاه اقتصاد وابسته به یک جلسه و تصمیم شبانه می‌شود و کافی است بگویند نفت‌شان را نخرید! وقتی بودجه‌تان را نقتی می‌کنید مگر می‌توانید حقوق کارمندان تان را ندهید و یارانه پرداخت نکنید؟ مگر می‌توانید هزینه‌های جاری دولت را پرداخت نکنید؟ در واقع همه این هزینه‌ها را وابسته به یک دروازه کرده‌اید.

■ **آماری که دولت از اشتغال می‌دهد فریبنده است اما واقعی نیست**

■ **آقای دکترا ما الان شاهد آمارهای مختلفی هستیم. دولت ادعا می‌کند از زمان دکتر ممدق، اولین دولتی است که تراز تجاری‌اش مثبت است اما اگر لیست کالاهای وارداتی را نگاه کنیم، متوجه می‌شویم کالاهای سرمایه‌ای ۲۰ درصد کاهش داشته و واردات کالای مصرفی ۲۱/۵ درصد افزایش‌اب! با توجه به این مساله، نتایج سیاست‌های اقتصادی دولت در این ۴ سال چگونه بوده است؟**

دولت روی چند مولفه دست گذاشته که به حساب خودش افتخارآمیز است؛ اول اشتغال است. در منظره‌ها هم آقایان روحانی و جهانگیری می‌گویند از سال ۸۴ تا ۹۲ افزایش شغلی نداشته‌ایم. سال ۹۲ که دولت تحویل تیم آقای روحانی شد تقریباً ۲۳ میلیون فرد شاغل داشتیم و سال ۹۵ طبق گزارش مرکز آمار این رقم تقریباً ۲۶ میلیون شده، یعنی حدوداً ۳ میلیون شغل اضافه شده است. اگر آمارها را با نگاه به آماری که دولت ارائه می‌دهد، نگاه کنید واقعا فریبنده است ولی وقتی به صورت دقیق تحلیل می‌کنیم، متوجه می‌شویم به هیچ‌وجه وضعیت مثبت و قابل قبولی نداشته است. به عنوان مثال، طبق آمار بانک مرکزی، پایه‌آماری اشتغال اینگونه است که کسی که یک ساعت در هفته کار کند شاغل محسوب می‌شود ولی این اصلا امر معناداری نیست و اگر بخواهیم مقایسه درستی بین دولت قبل و دولت فعلی در حوزه اشتغال داشته باشیم، نباید بگوییم یک ساعت در هفته شغل محسوب می‌شود، بلکه باید

دکتر محمد تقی مفیدنظریان، استاد اقتصاد در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

اقتصاد را خاموش کرده‌اند!

■ مسعود فروغی /محمد رضایتی

از آینده سرمایه‌گذاری است. باید حاشیه امنیتی برای تخمین قیمت‌های به وجود آمده برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران اثبات می‌شد اما در این ۳ سالی که گذشت، همه تحلیل‌ها به نشست‌های مذاکرات وابسته شد و تولیدکنندگان نمی‌دانستند قرار است چه اتفاقی بیفتد و در حقیقت بازار همراه دچار نوعی گیجی در اتخاذ تصمیم بود. شما اگر خود را در جایگاه یک سرمایه‌گذار فرض کنید، افزایش نرخ ارز موجب ایجاد حاشیه سود شده است ولی مدام دولت وانمود می‌کند بلافاصله بعد از مذاکرات با برداشتن تحریم‌ها همه چیز به جای اولش باز خواهد گشت؛ در نتیجه به هیچ‌وجه نمی‌توان اتخاذ تصمیم کرد. همین مساله به مرور باعث شد فرصتی که به دست آمده بود از بین برود. تحریم‌ها باعث شده بود قیمت کالای ایرانی با مشابه خارجی جابه‌جا شود، چرا که کالاهای وارداتی با نرخ ارز ارتباط دارد ولی ما از این فرصت استفاده نکردیم. اگر در این ۳ سال همین فرصت طلایی را که در بحث نرخ ارز ایجاد شده بود استفاده می‌کردیم تولیدمان رونق می‌گرفت. متأسفانه همین موضوع یکی از عواملی بوده که منجر به کاهش در بخش سرمایه‌گذاری ثابت از زمان شروع بحث مذاکرات در این دولت شده است. در کنار این موضوع بالا بودن نرخ سود بانکی خود یک عامل مضاعف برای پایین آمدن انگیزه سرمایه‌گذاری جدید بود. شما اگر سرمایه‌ای داشته باشید قطعا وقتی بانک‌ها مثلاً ۲۴ درصد سود پرداخت می‌کنند انگیزه کمتری برای ایجاد کسب‌و کار نسبت به حالتی که بانک‌ها به شما مثلاً ۱۲ درصد سود پرداخت می‌کنند خواهید داشت. بالا نگه داشتن نرخ سود بانکی خود عاملی برای عدم استفاده از این فرصت بود.

■ **تراز تجاری مثبت نتیجه عملکرد دولت نیست**

■ **یکی دیگر از افتخاراتی که دولت به آن می‌بالد، بحث تراز تجاری است؛ در این باره توضیح می‌دهید؟**

در رابطه با تراز تجاری دولت آن را به عنوان عملکرد خود مطرح می‌کنند ولی در حقیقت این موضوع نمی‌تواند جزو کارنامه دولت ثبت شود، چرا که این موضوع بسیار متأثر از جابه‌جاشدن قیمت دلار بوده است، همانطور که گفتم افزایش نرخ ارز به واسطه تحریم‌ها باعث کاهش سود واردات و افزایش سود صادرات شده است، این موضوع نتیجه عملکرد دولت نیست.

■ **فروش نفت مفت، از فرصت‌طلبی مشتریان است نه از فوحات دولت!**

■ **آقای دکترا درباره میزان فروش نفت در دولت یازدهم چه تحلیلی دارید؟**

یکی از معضلات اقتصادی ما فروش نفت است و باعث شده ساختار اقتصادی کشور رانته و فسادخیز شود و کارایی در حوزه‌های دیگر شکل نگیرد. از سوی دیگر هم بشدت خودمان را به لب پرتگاه تحریف می‌بریم که به یک جلسه شبانه وابسته باشیم، به عبارت دیگر کافی است امریکا به عربستان بگوید که قیمت نفت را پایین بدهد دار؛ با این کار اقتصاد ما دچار نوسان می‌شود. بحث دیگر اینکه اصلا فرض بگیریم فروش نفت خوب است، آیا فروش نفت از فعالیت و کار خوب دولت است یا اینکه مساله دیگری مطرح است؟ قبل از برجام به این شکل بود که به واسطه تحریم ما دسترسی به دلارهای حاصل از فروش نفت کشور نداشتیم و همچنین هر کشوری هم که می‌خواست از ما نفت بخرد، جریمه می‌شد بعد از برجام تفاوتی که حاصل شد، کشورهای خریدار از ما دیگر جریمه نمی‌شوند ولی عدم دسترسی ما به دلارهای خودمان سر جایش باقی مانده است. خب! یک لحظه خودتان را بگذارید جای کشورهای خریدار نفت ایران مثل هند، چین و ژاپن. تصور کنید ایرانی در برابر شماسمت که می‌توانید نفت آن را بخرید ولی پولش را ندهید! الان رقابت بین کشورها است، تا از ما نفت بخرند، اتفاقی که افتاده این است که رقابت در خرید نفت ما وجود دارد، چرا که مشتریان نفت ما را مفت می‌خرند و این اصلا افتخاری نیست، چرا که پولش را نمی‌توانیم بگیریم. حداقل در گذشته نفت‌مان در اختیار خودمان بود. این از فرصت‌طلبی مشتریان است که از شرایط پدید آمده به بهترین نحو برای خودشان استفاده می‌کنند و از فوتاحات دولت.

■ **اگر پول نفت را نمی‌دهند، پس دولت هزینه‌های خود را از چه طریقی تامین می‌کند؟**

ببینید! دولت حقوق کارمندان را با ریال پرداخت می‌کند نه با دلار! قبلا وقتی نفت‌مان فروش می‌رفت، پول آن به صندوق ذخیره ارزی در بانک مرکزی واریز می‌شد و معادل همان، بانک مرکزی به دولت ریال می‌داد، چرا که این نصفانه‌ای دولت به ریال است ولی الان این پول در بانک کشورهای خریدار نفت ما ذخیره می‌شود و معادل همان بانک مرکزی به دولت ریال می‌دهد. یکی از بی‌صداقتی‌هایی که دولت داشت، همین بود که می‌گفت ما پول برای پرداخت یارانه نداریم، چرا که تحریم هستیم یا می‌گفت تحریم هستیم و حتی نمی‌توانیم سرمایه‌گذاری کنیم و سد بسازیم و به همین دلیل آب نداریم؛ در حالی که دولت به لحاظ واردآمده‌ای رالی هیچ محصولی نداشت! هیچ وقت دولت با دلار به کسی حقوق نمی‌دهد. همواره دولت معادل ریالی درآمدهای ارزی را در این مدت بدون محدودیت از بانک مرکزی دریافت کرده است.

یک بحث دیگری که در این رابطه مطرح می‌کردند، این بود که می‌گفتند در دولت قبل، قیمت نفت ۱۴۰ دلار بود و در این دولت قیمت ۷۴ دلار شده است، که نصفانه نیست، چرا که فقط در یک روز قیمت نفت در دولت قبل به ۱۴۰ دلار رسید و در این دولت نیز قیمت نفت بازه بسیار کوتاهی ۲۰ دلار بود. برای مقایسه باید متوسط قیمت نفت در ۸ سال قبل با متوسط قیمت نفت در عمر این دولت محاسبه شود. زمانی که این نوع ادعاها از سوی دولت مطرح می‌شد ما حساب کردیم، متوسط قیمت نفت در دولت قبل ۷۲ دلار و در این دولت ۷۴ دلار بود. البته الان پایین‌تر است و حدود ۶۰ دلار است. اما به هیچ‌وجه فاصله ۱۱۰ دلار نیست. این خلاف واقع است که اینگونه وانمود کنیم، بحث سوم که دولتمردان به هیچ‌وجه متعرض طرح آن نمی‌شوند، نرخ ارز است. در دولت قبل وقتی نفت به فروش می‌رسید در دلار در ایران هزار و ۲۰۰ تومان ارزش داشت. در این دولت چقدر است؟ شما متوسط قیمت نفت در دولت قبل یعنی ۷۲ دلار را در هزار و ۲۰۰ تومان ضرب کنید و مقایسه کنید با نرخ متوسط قیمت نفت در این دولت یعنی ۶۰ دلار در ۲۷۰۰ تومان؛ اختلاف فوق‌العاده زیاد خواهد بود. البته باید آن را در نرخ رسمی ارز که کمی پایین‌تر از

نرخ آزاد است ضرب کرد ولی باز هم تفاوت بسیار زیاد است. الان حدود ۵۲ هزار میلیارد تومان در سال یارانه می‌دهند و زمانی که این رقم یارانه تصویب شد، بنزین ۱۰۰ تومانی به ۴۰۰ تومان رسید ولی الان بنزین هزار تومان است! باید پرسید باقی پول بنزین کجا می‌رود؟! طبق آمار می‌که الان وجود دارد، نزدیک ۹۰ هزار میلیارد تومان سالانه درآمده یارانه است و باقی پول یارانه مشخص نیست کجا خرج می‌شود؟ واقعا این همه پول کجاست؟ اینها مواردی است که وقتی ملاحظه می‌شود، با قاطعیتی می‌توان گفت ادعای محدودیت در درآمد از سوی دولت به هیچ‌وجه با واقعیت منطبق نیست.

■ **چون اقتصاد را خاموش کردیم، تورم کاهش پیدا می‌کند و این افتخار نیست**

■ **با این اوصاف چه آینده‌ای برای دولت دوازدهم متصور هستید؟**

دولت آینده، شرایط سختی خواهد داشت، هر کدام از کاندیداها سرکار بیایند فرقی ندارد. به عنوان مثال اینکه دولت می‌گوید تورم را کنترل کرده، قبول ندارم. تورم زمانی رخ می‌دهد که مبادله و خرید و فروش وجود داشته باشد، زمانی که ماشینی خاموش شود، دیگر ارزش نخواهد داشت و قطعا وقتی ماشین پیکان و اس ۵۰۰ هر دو خاموش باشند، هیچ‌کدام ارزش ندارند، شما نمی‌توانید این را افتخاری برای پیکان بدانید! ارزش زمانی معنا پیدا می‌کند که ماشین‌ها روشن باشند. به یک معنی ارزش‌های اقتصاد، همان تورم است و چون اقتصاد را خاموش کردیم، تورم کاهش پیدا می‌کند. باید اقتصاد رونق یابد تا بتوان در رابطه با تورم در آن قضاوت کرد و به همین دلیل وضعیت نگران‌کننده است. نشانه‌های عدم کنترل تورم در بخش‌هایی که مبادله کاهش نیافته خصوصا در بخش کالاهای ضروری که کمتر به واسطه رکود و رونق در بازار دچار تغییر رفتار می‌شود مشهود است. اینکه تورم در کل کمتر نشان داده می‌شود به واسطه وزن زیاد بخش‌هایی است که در رکود فرو رفته‌اند. برای به دست آوردن تورم، از حدوداً ۳۶۰ قلم کالا قیمت وزنی می‌گیرند و تورم مشخص می‌شود اما سهم برخی کالاها مانند مسکن بالاست. هزینه‌های مسکن در سبد خوارق تقریباً ۶۰ درصد است. چون وزن مسکن در مخارج خانوار بسیار بالاست و در این حوزه رکود بسیار عمیق است، رشد قیمت پایین و حتی منفی است لذا اثر وزن این کالا اینقدر زیاد می‌شود که در مجموع تورم زیر ۱۰ درصد می‌شود اما اگر وزن مسکن را خارج کنیم و صرفاً مثلاً مواد غذایی را محاسبه کنیم، می‌بینیم آمار ارائه شده تورم حتی بیش از ۵۰ درصد را نشان می‌دهد. لذا فکر نکنیم تورم کنترل شده است، اولاً اقتصاد خاموش شده و باعث شده آن مولفه‌هایی که جهت‌گیری‌های کلان اقتصاد را در حوزه خرید و فروش نشان می‌دهد، مانند مسکن تورمش کاهش یابد و ثانیا در حوزه‌هایی که خرید و فروش و قیمت کمتر از رکود متأثر است تورم پایین نیست. اگر تورم ۹ درصد برای مردم ملموس نیست به این خاطر است که مبادلاتی که از سوی آنها در شرایط فعلی تکرار می‌شود، مثل مواد غذایی، از تورم بالایی برخوردار است.

■ **عنوان کردید که دولت آینده، دولت شرایط سختی دارد. در این زمینه توضیح دهید.**

دولت دوازدهم دولتی است که ویرانه‌ای را تحویل خواهد گرفت. به عنوان مثال در ۸ سال دولت احمدی‌نژاد سالانه به طور متوسط ۵۰هزار میلیارد تومان به نقدبengi کشور اضافه شد. وقتی دولت در سال ۹۲ به آقای روحانی تحویل داده شد، میزان نقدبengi در کشور حدود ۴۹۰ هزار میلیارد تومان بود. این میزان افزایش در نقدبengi سهم عمده‌ای در تورم سال‌ها ۸۲ تا ۸۴ داشت که قطعا خاطراتان را در دولت یازدهم نیز سالانه حدود ۲۲۰ هزار میلیارد تومان به طور متوسط به نقدبengi کشور افزوده شده است و ما الان شاهد رقمی حدود ۱۲۰۰ هزار میلیارد تومان نقدبengi در کشور هستیم. یعنی تقریباً ۴/۵ برابر متوسط سال‌های قبل سالانه به نقدبengi کشور افزوده شده که منجر به شکل گیری یک هیولا در اقتصاد گشته است. این هیولا به‌واسطه شرایط رکودی هنوز در خواب است و ما آثار ویرانگر آن را مشاهده نمی‌کنیم. فرض کنید ماشین اقتصاد استارت بخورد، آنگاه این هیولا بیدار خواهد شد. کنترل تورم به قیمت خاموش کردن کل اقتصاد بوده است و زمانی که روشن شود انتظارات تورمی باعث می‌شود فعالیت‌های سفته‌بازان شروع شود و سابقه‌ای این سفته‌بازی‌ها بیشتر در بازارهای دلار، سکه، مسکن و خودرو است. ماندن یک میلیارد اول به سمت ارز می‌رود و نرخ ر به مثلاً ۸ هزار تومان می‌رساند، بعد به بازارهای طلا سکه، خودرو و مسکن می‌رود و همه را نابود می‌کند! واقعا نقدبengi یک هیولاست که اگر بیدار شود مگر می‌توان آن را کنترل کرد؟! و تصور کنید فردی در اسان کار باشد که نتواند کنترل کند. کما اینکه مدیران دولتی در ماجرای سید کلا نشان دادند، خیلی نسیف هستند و وقتی مدیریت‌شان گفتمان ۵۰ سال پیش است و ما آثار ویرانگر آن را مشاهده نمی‌کنیم، فرض رو به‌رو باشیم، مگر می‌توان آن را کنترل کرد؟

■ **رشد ۸ درصدی بازی با آمار است**

■ **آقای دکترا! بد نیست اشاره‌ای هم به موضوع رشد ۸ درصدی داشته باشید.**

رشد ۸ درصدی که مشخص است ناشی از فروش نفت است. قیمت نفت افزایش یافته و چندان این بحث معنادار نیست و بیشتر بازی با آمار است و مساله‌ای که خودش را واقعا نشان می‌دهد، متن جامعه است و از کاسبان که وضعیت را سوال می‌کنید می‌گویند در بازار خبری نیست، حال اصلا بگویید منفی ۶ درصد را مثبت ۱۶ درصد کردیم؛ اینگونه نیست.

■ **چقدر برجام در این فروش نفت موثر بوده است؟**

برجام باعث شده مشتریان برای خرید نفت با سر و دست بکشدن نه اینکه ما بگوییم توانسته‌ایم با قدرت فراوان عربستان را کنار بزنیم و نفت را به چین بفروشیم؛ خیر! چنین نگاه می‌کنند و می‌بیند باید به عربستان برای خرید نفت دلار نقدی بدهد ولی در خرید از ایران چنین الزامی نیست و معلوم نیست ایران بتواند دلارهایش را از چین بگیرد یا خیر. هر کشور باید تسویه با تولید داشته باشد و در صف خرید از ایران می‌ایستد. این افتخار نیست. باید به واسطه به وجود آمدن این شرایط غصه خورد.